

آینده ای تاریک برای کارگران ایرانی

شنبه بیست هفتم مهر ۱۳۸۷

آژانس ایران خبر

متأسفانه کارگران ایران در حال حاضر در بدترین شرایط ممکن قرار گرفته اند، بیکاری بیداد می کند، هر روز تعداد زیادی از کارگران شاغل از کار بیکار می شوند، کارفرمایان با توجه به چراغ سبزی که وزارت کار از طریق ارائه پیش نویس لایحه اصلاح قانون کار نشان داده هر روز تعدادی کارگر را اخراج می کنند، بسیاری از کارگران بین یک ماه تا چند سال حقوق دریافت نکرده اند، بخش قابل توجهی از کارگران تحت پوشش کارخانه های طرف قرارداد با شرکتهای بزرگ، با احتمال بسته شدن غیرمنتظره محل کارشان



مواجه شده اند، هنوز تعداد زیادی از کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به دلیل فعالیت سندیکایی پس از مدت ها بازداشت و زندان و باسپردن وثیقه های سنگین، بلا تکلیف هستند و کارفرما از پرداخت ۵۰ درصد حقوق آنان تا روشن شدن تکلیفشان خودداری و وزارت کار نیز از رسیدگی به پرونده آنان خودداری می کند. تعدادی از این کارگران مستاجر هستند و به خاطر نپرداختن اجاره خانه، هر روز تحت فشار هستند، تعدادی از این کارگران به خاطر مقاومت و دفاع از حقوق صنفی شان، برای رفع نیازها و پاسخگویی به هزینه های جاری زندگی حداقلی شان، در خیابان ها و معابر بساط دستفروشی، چای فروشی، سیگارفروشی و چیزفروشی دایر کرده اند و صدها مورد دیگر که این مثنی نمونه خروار از خرابی اوضاع کنونی کارگران ایران است.

اما با پیگیری آمارها و بررسی منابع دیگر و گزارشاتی که از جانب کارگران منتشر شده متوجه می شویم که گستردگی رخدادهایی که باعث بحران زندگی کارگران می شود بسیار اسفبارتر از آمار است که از جانب مسوولان ارائه می شود. بدین ترتیب که بیش از ۲۰۰ کارگر قراردادی شاغل در شهرداری و شهرک صنعتی شهرستان سقز با اتمام قرارداد کار اخراج شدند. یک فعال کارگری در سقز گفته که ۴۰ کارگر خدماتی فضای سبز شهرداری و ۱۶۰ کارگر قراردادی شاغل در کارخانه های شهرک صنعتی سقز در ابتدای سال جاری اخراج شده اند. او با اشاره به وضعیت سخت معیشتی کارگران اخراجی در اولین ماه سال گفت: در سقز فرصت شغلی نیست و کارگران اخراجی با وجود جستجو برای به دست آوردن ساده ترین شغلها، نتیجه نمی گیرند. مدیریت شرکت پیمانکاری خدماتی "طاهرنیرو" در قزوین با جلوگیری از پرداخت حقوق کارگران، بیش از هزار کارگر قراردادی خود را اخراج کرد. یک فعال کارگری در قزوین گفت: این تعداد از کارگران اخراجی که روزانه مجبور به انجام بیش از ۱۰ تا ساعت ۱۲ کار بودند، در پایان هر ماه حداقل حقوق قانونی را دریافت می کردند. عید وی گفت: تحت چنین شرایط کاری، هر کارگر به میزان ۵۰۰ هزار تومان از حقوق قانونی خود را از کارفرما طلبکار است. یک فعال کارگری در زابل گفت: ۳۰ کارگر قراردادی شاغل در شرکت پیمانکاری القدیر زابل که به ساخت بزرگراه زابل-زاهدان مشغول بودند از سوی مدیریت شرکت پیمانکار اخراج شدند. محمدگل

بامری گفت: کارگران اخراجی ساعاتی پس از اخراج با مراجعه به اداره کار زابل و تنظیم شکایت خواستار بازگشت به کار مجدد شدند. بامری گفت: با آغاز سال جدید بسیاری از کارگران قراردادی این منطقه با اعلام افزایش حقوق قانونی و پایان قراردادی از بیکار شدن. رییس اتحادیه کارگران پیمانی و قراردادی کشور گفت: بیش از ۵۰ هزار کارگر قراردادی در سراسر کشور در روزهای آغازین سال ۸۷ شغل خود را از دست داده اند. رجبعلی شهسواری گفت: موج اخراج دست جمعی کارگران قراردادی که از روزهای پایانی سال گذشته آغاز شده بود همچنان ادامه داشته و بسیاری از کارگران با اتمام قرارداد و عدم انعقاد قرارداد مجدد، بیکار شده اند. او گفت: به دلیل نبود فرصت شغلی در کشور بسیاری از کارگران اخراجی همچنان بیکار بوده و فقر، خانواده های آنان را در معرض فروپاشی قرار داده است. شهسواری با اشاره به اینکه مسوولان در قبال بی قانونی ها و ظلم به جامعه کارگری واکنشی نشان نمی دهند، گفت: بیش از ۶۵ درصد کارگران کشور به عنوان کارگران قراردادی در کارهای دایم به کار گرفته می شوند که این کارگران به دلیل فقر و نیاز به شغل، از حقوق قانونی خود گذشته و آینده شغلی خود را تباه می کنند. کارگران فرش البرز بابل سر به خاطر وضعیت رقت باری که از پس یک سال نگرفتن حقوق به آن دچار شده اند با خانواده هایشان به راهپیمایی اعتراض آمیز دست زدند که مورد هجوم نیروهای پلیس قرار گرفته و تعدادی از آنان بازداشت شدند و از این قبیل گزارشات که همچنان ادامه دارد و در این مقوله نمی گنجد.

بررسی آمار مربوط به حوادث شغلی در سالهای گذشته و سال جاری نشان می دهد که آن بخش از طبقه کارگر ایران که در کارگاه های کوچک، معادن، کوره پزخانه ها و پروژهای صنعتی، ساختمانی و کشاورزی کار می کنند، از قربانیان اصلی بی حقوقی، حوادث، بیماریهای شغلی و پذیرش آسیب های اجتماعی دیگر هستند و این در حالی است که دولت نهم برای اشتغالزایی و مبارزه با معضل بیکاری، اولویتهای ویژه خود را بر اعطای تسهیلات به کارگاههای کوچک زودبازده قرار داده است. از آغاز دهه ۸۰ میلادی با گسترش خصوصی سازی در کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه، با رشد روز افزون کارگران موقت و قراردادی روبه روهستیم. هر روز که میگذرد بر میزان کارگران غیررسمی و قراردادی، کودکان کار، زنان کارگر، کاربردگی و... افزوده و شرایط کار برای این بخش از طبقه کارگر دشوارتر می شود. در این شرایط سوال برانگیز که وجه المصالحه کارفرما و دولت، قشر محرومی به نام کارگر است، بهتر بود گشاده رویی برای کارفرما که در قالب پرداخت تسهیلات تعریف شد، با ابزاری به عنوان گروکشی منافع کارگر رخ میداد. این در حالی است که آمار و گزارشات، به خصوص در کشورهای در حال توسعه نشان میدهد که این بخش از طبقه کارگر در واقع به خاطر انجام کارهای سخت، طاقت فرسا و خطرناک، از قربانیان اصلی حوادث و بیماریهای شغلی هستند. به نوعی که آمار سازمان جهانی کار نشان می دهد روزی ۶ هزار کارگر در سراسر دنیا به خصوص در کشورهای فقیر و یا در حال توسعه، جان خود را به خاطر حوادث و بیماریهای شغلی از دست می دهند.

شاید یکی از مهمترین دلایل تضييع حقوق کارگران غیر رسمی، آن است که تعریف درستی از این قبیل کارگران نداریم و صد البته هنوز سازمانهای بین المللی مربوط به کار و کارگر نیز نتوانسته اند تعریف دقیقی از این پدیده که طی دو دهه گذشته، رشد و گسترش پیدا کرده است، ارایه دهند. اما به طور کلی پژوهشگران کارگری مشخصه های زیر را در مورد این بخش از طبقه کارگر به کار می گیرند.

۱ - کارگران "غیررسمی" و قراردادی که اینک به اعماق بی قانونی و بی حمایتی پرتاب شده اند کسانی هستند که قبل

از این در بخش رسمی کار می کردند اما به دلیل تغییر در قوانین کار، پوشش های قانونی و حمایتی از آنها سلب شده است.

۲ - کارگران غیررسمی کسانی هستند که به خاطر سوء مدیریت، ورشکسته شدن و تعطیل شدن کارخانجات، بازخرید و یا اخراج شده و اینک به خیل بیکاران پیوسته و یا به صورت قراردادی و روزمزد، نیروی کار و دراصل عمر خویش را می فروشند.

۳ - کارگران غیررسمی کسانی هستند که دستمزد آنها ناچیز و پایین تر از نرخ تعیین شده دستمزد است، اغلب این کارگران زیر خط فقر و در خط گرسنگی و نزدیک به مرگ زندگی می کنند.

۴ - کارگران قراردادی از امنیت شغلی برخوردار نیستند. بیمه های بهداشتی و درمانی ندارند و کارفرما به محض اراده، می تواند آنها را اخراج کند. اضطراب و ترس از اخراج، بخش جدانشدنی از زندگی کارگر قراردادی و خانواده او است.

۵ - کارگر غیررسمی هم بطور فزاینده ای زیر فشار خردکننده سرمایه قرارداد و همچنین با شدت بیشتری زیر سیستم ظالمانه دولتی در حال ذوب شدن است.

۶ - کارگران قراردادی کسانی هستند که کارفرما هیچگونه تعهدی در مورد اجرای قانون کار و اجرای قوانین بهداشت و ایمنی برای آنان ندارد.

۷ - کارگران غیررسمی و خانواده هایشان کسانی هستند که بیش از سایرین قربانی آسیب های اجتماعی، حوادث و بیماری های شغلی هستند. ساعت کار آنها طولانی تر و شرایط کار آنها دشوارتر است.

که زنان کارگر و کودکان کار و کارگران مهاجر و پناهنده بخش مهمی از این مجموعه را تشکیل می دهند.

اگرچه بیان این واقعیتها باعث تحقیر زحمتکش ترین قشر جامعه یعنی کارگران است اما نباید وجود کارفرمایان سودجو، قوانین ناکارآمد، دولتهای بی تفاوت به سرنوشت کارگران، بحرانهای سیاسی و اقتصادی، مسئولان ناکارآمد و تفکرهای سلطه جویانه را نادیده گرفت. البته در کشور ما نیز تحت رهنمودهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول (این دو نهاد اصلی نظام سرمایه داری) و با آغاز سیاست های گسترده خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی در دوره ۸ ساله ریاست جمهوری رفسنجانی و ادامه این سیاست در دوران ریاست جمهور خاتمی و اجرای گسترده این سیاست در موقعیت کنونی، بخش عظیمی از طبقه کارگر کشور ما، اندک پوشش های رسمی حمایتی خود را نیز از دست دادند و هر روز که می گذرد بر تعداد کارگران قراردادی، روزمزد و فصلی افزوده می شود.

به یاد داریم که در گذشته با تصویب لایحه ای در مجلس شورای اسلامی، کارگران کارگاه های زیر ۵ و ۱۰ نفر و نیز ۳۰۰ هزار کارگر قالبیاف از شمول قانون کار خارج شده و شرایط کار میلیون ها کارگر، سخت تر و دشوار تر شد و در ادامه این سیاستگذاری ها، بخش عظیمی از کارگران به خاطر بسته شدن کارخانجات کار خود را از دست داده و تبدیل به کارگر قراردادی، روزمزد و فصلی شده و یا به خیل کارگران بیکار پیوستند.

با کمال تاسف، گزارش های مربوط به مسایل و مشکلات کارگران به طور دقیق ثبت و پیگیری نمی شود و آمارهایی که از سوی مسئولان وزارت کار، خانه کارگر یا نهادهای دیگر همچون اداره آمار در مورد مشکلات و حوادث شغلی ارائه می شود، متناقض بوده و هم خوانی ندارند. در بیشتر مواقع کارگر اخراج شده، حادثه دیده و مورد ظلم قرار گرفته به خاطر ترس از اخراج، حادثه ای که برایش اتفاق افتاده را گزارش نمی کند. با این وجود، مدیرکل بازرسی وزارت کار، در یک جمله کوتاه این حوادث را چنین بیان می کند: در سال ۱۳۸۵ تعداد یک هزار و ۱۰۰ کارگر به علت حوادث ناشی

از کارجان خود را از دست داده اند. ابراهیم سلطانی نسب معتقد است که اگر کمترین آموزشی به کارگران داده می شد اینگونه حوادث اتفاق نمی افتاد.

هنوز هم حداقل ها همچنان پابرجاست و تبعیض ها ادامه دارد و همچنان خبر از تعدیل و اخراج کارگران به گوش می رسد. همواره و در ابتدای سال اولین واکنش به مصوبه دستمزد شورای عالی کار، تعدیل و اخراج است، البته کارفرماها نیز به دلیل ناتوانی در تامین هزینه های اضافی از جمله افزایش حقوق کارگران، قرارداد کارگران را تمدید نمی کنند و با اخراج آنان، کار بیشتری را به کارگران ثابت تحمیل کرده اند. "مزد برابر برای کار برابر" آرزویی است که باعث شده تا کارگران قراردادی دشمن کارگران دایم شوند.

و اما الزام کارفرمایان به پرداخت افزایش ناچیز حقوق، تاثیر چشمگیری در زندگی کارگران نداشته و همین حداقل دستمزد کارگران که از میزان خط فقر اعلام شده توسط شورای عالی کار بسیار پایین تر است، نه تنها اشتغال ثابت را برای آنان به دنبال نداشته بلکه اخراج را نصیبشان کرده است.

اگر نگاهی به آمارهای اعلام شده در سایتها و منابع خبری بیندازیم، مشاهده می کنیم که اخراج صدها کارگر قراردادی استان گلستان، افزایش ۵ برابری میزان اخراجهای کارگران آذربایجان شرقی در یک ماهه اول سال، اخراج ۶۰۰ تا ۸۰۰ کارگر قراردادی واحدهای صنعتی آذربایجان غربی، اخراج ۱۵ هزار کارگر قراردادی در پاکدشت، افزایش ۴ برابری میزان اخراج کارگران سمنانی، اخراج ۴۰ کارگر قراردادی از یکی از کارخانجات همدان و تعدیل ۱۰۰ کارگر منطقه غرب تهران فقط بخشی از تعدیل ها و اخراج کارگران قراردادی است.

این در حالی است که ۶۲۰ کارگریک معدن ۱۶ ماه بدون حقوق مانده اند، کارگران واحد تولیدی آب معدنی "داماش" (آبه) ۴ تا ۵ ماه، ۳۰۰ کارگر معدن قلعه زری یک سال، هزار کارگر قزوینی ۲ تا ۲۴ ماه و کارگران ۴ کارخانه نساجی ۱۳ ماه حقوق نگرفته اند. در همین حال ۷۰ تا ۸۰ کارگر قراردادی واحد آب پاک همدان ۵۰ تا ۸۰ هزار حقوق می گیرند و بیش از ۵۰۰ کارگر شاغل در کارخانجات تولید مواد لبنیات شهرک "مینودشت" استان گلستان، کمتر از ۹۰ هزار تومان حقوق ماهیانه دریافت میکنند.

موارد ذکر شده تنها بخشی از وضعیت حقوقی کارگران ایرانی است که برای تامین معاش خویش، مجبورند بیشتر از ساعات مقرر شده کار کنند و بسیار کمتر از میزان تعیین شده دستمزد بگیرند. کارگران قراردادی برای از دست ندادن همین شغل هم مجبور به سکوت هستند تا مبادا کوچکترین اعتراضشان، اخراج و از دست دادن حقوق اندک حتی زیر ماهی ۱۰۰ هزار تومان را در پی داشته باشد، این در حالی است که بدون داشتن بیمه و تامین اجتماعی، هیچ آینده ای را نمیتوان برای قشر زحمتکش کارگر رقم زد.

آژانس ایران خبر

شنبه بیست هفتم مهر ۱۳۸۷